



بررسی زندگی اجتماعی عشایر پیشین ساکن در دره هومیان با تکیه بر مطالعه نقوش صخره‌ای سنگ مهرداد

حسن افشاری^{۱**}، فریدا فروزان^۲

^۱ کارشناس ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
^۲ دکترای باستان‌شناسی، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
 (تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱)

چکیده

در نخستین دره در منطقه کوه‌های هومیان در شمال غربی کوه‌دشت لرستان، تخته سنگی معروف به سنگ مهرداد وجود دارد. قسمت زیر شکاف سنگ بیشتر از ۴۰ نقش رنگی به رنگ‌های قرمز روشن، قرمز-قهوه‌ای، سیاه و زرد دارا می‌باشد، که هر یک به سبکی متفاوت ترسیم شده است. این پژوهش با بررسی میدانی و کتابخانه‌ای با هدف بررسی این نقوش با شباهت‌هایی میان زندگی اجتماعی کوچ‌نشینان این منطقه در دوره بعد از عصر آهن انجام شده و بر پایه این فرضیه است که احتمالاً نقوش خاص بر روی سنگ مهرداد که بیانگر حرکت تعدادی انسان و حیوان در کنار هم می‌باشد، و کوچ انسان‌ها در کنار هم را به نمایش گذاشته است. نتایج نشان می‌دهند که این نقوش، احتمالاً در ارتباط با نحوه زندگی کوچ‌نشینی و حیوانات مرتبط با انسان‌ها، اسب، شتر، سگ و بز بر روی این سنگ نقش شده و با توجه به تاریخ اهلی سازی تمامی این حیوانات در کنار هم نمی‌تواند قدیمی‌تر از عصر آهن باشد. در این مقاله سعی شده است مستندنگاری و توصیف کاملی از نقوش و یافتن چرایی وجود آنها پرداخته شود تا بدین وسیله بتوان به مفهوم نگاری نقوش هومیان و شناسایی از چشم‌انداز گذشته پرداخت.

واژگان کلیدی

هنر صخره‌ای، رنگین نگاره، کوه‌دشت، هومیان، سنگ مهرداد.



مقدمه

بررسی نقش اقلیم و ارتباط آن با سکونتگاه‌های انسانی نقش مهمی در بررسی‌های باستان‌شناسی دارد، زیرا که اقلیم عامل مهمی در چگونگی پوشش گیاهی، جانوری و منابع آب به‌شمار می‌آید و در واقع آب‌وهوای مناطق مختلف، چشم‌اندازهای طبیعی این مناطق را به رخ می‌کشند، که عوامل حائز اهمیتی در جهت سکونت و تهیه منابع در جوامع ابتدایی می‌باشند. به عبارتی دیگر از آغاز پیدایش انسان، او همچنان وابسته به اقلیم و محیط بوده و جهت بهره‌برداری بهینه از اقلیم به پیشرفت علم و تکنولوژی دست یافته است. مهمترین مثال بازر آن تاثیر محیط بر پیشرفت بشر در بهره‌برداری بهینه از اقلیم در جنوب بین‌النهرین می‌باشد، که باعث شکل‌گیری اولین تمدن در جهان شده است (الغازه، ۱۳۹۷: ۶۷-۸۹).

نقاشی‌های سنگ مهرداد در کوه‌دشت لرستان در دره‌های میان کوهی و در منطقه بسیار ناهمواری قرار گرفته که سکونت در آن منطقه غیر قابل تصور می‌باشد و به عقیده نگارندگان وجود و یا رسم چنین نقاشی‌های صخره‌ای در این محیط را باید در بررسی اقلیم و ژئومورفولوژی منطقه و ارتباط آن با زندگی مردم جستجو کرد و از آنجایی که هم اکنون تمامی روستاهای اطراف یا کوچ‌نشین هستند و یا پیشینه کوچ‌روی دارند و نقاشی‌ها نیز در مسیر راه کوچ امروزی وجود دارند و همچنین درون مایه مضمون نقوش سنگ مهرداد شامل حرکت دسته‌ای از انسان‌هایی هست که با خود سگ، بز و شتر به همراه دارند و شباهت زیادی با حرکت عشایر امروزی مردمان این منطقه دارد، می‌توان احتمال داد که نقوش رسم شده در سنگ مهرداد توسط عشایر کوچ‌رو و برگرفته شده از تصویر زندگی آنان می‌باشد.

روش پژوهش

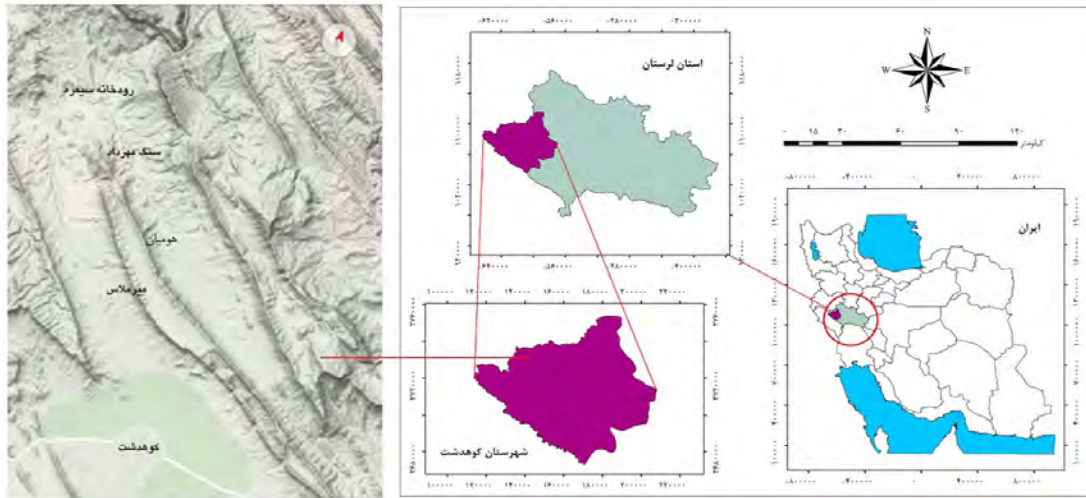
در این پژوهش نگارندگان با بررسی میدانی، توصیف و تحلیل رنگین‌نگاره‌های سنگ مهرداد سعی بر بازسازی زندگی مردمان خالق این اثر هنری دارند و در پایان بر آن است تا به پرسش‌های مهمی پاسخ داده شود که آیا نقاشی‌های سنگ مهرداد دارای ارزش و پیشینه تاریخی هستند؟ چه گاه‌نگاری نسبی را می‌توان به نقوش سنگ مهرداد نسبت داد؟ چه ارتباطی میان نقوش سنگ مهرداد با زندگی جوامع ساکن در منطقه هومیان وجود دارد؟ در پاسخ به نظر می‌رسد که نقاشی‌های سنگ مهرداد دارای ارزش تاریخی هستند، اما با توجه به این که سالیانی آزمایشگاهی صورت نگرفته، نمی‌توان تاریخی مستند را به آن نسبت داد. با توجه به محل قرارگیری سنگ مهرداد و بررسی اقلیم و ژئومورفولوژی و بررسی مردم‌شناسی منطقه می‌توان تشخیص داد که خالقان این نقوش احتمالاً جوامع کوچ‌رو ساکن در آن محیط هستند، که در مسیر حرکت، تصویری نسبتاً واقع‌گرایانه از زندگی خود را بر بدنه تخته سنگی ترسیم نموده‌اند.

پیشینه پژوهش

اولین بار خانم کلرگاف در سال ۱۳۴۲ ش. ۱۹۶۳ م. از میرملاس و

برد سپید را دیده و طرح و عکس‌هایی از رنگین‌نگاره‌های این نقوش تهیه کرد، اما هیچ‌گاه تا قبل از سال ۱۹۷۰ میلادی آنها را ارایه نکرد (Goff, 1970: 27-37). و اولین انتشار از نقوش صخره‌ای هومیان توسط ایزدپناه صورت گرفت. او در سال‌های ۱۳۴۸ ش. ۱۹۶۹ میلادی برای نخستین بار توانست نقوشی به رنگ‌های قرمز و سیاه بر روی دیواره چند غار پیدا کند و از آنها اسلاید و عکس‌های رنگی تهیه نماید و با همکاری انجمن آثار ملی به دست رمان گیرشمن برساند (ایزدپناه، ۱۳۴۸، الف: ۱۳). بعد از نظر گیرشمن در همان سال وزارت فرهنگ و هنر و اداره کل باستان‌شناسی از آقای مک بورنی استاد دانشگاه کمبریج و متخصص عصر سنگ به همراه هیأتی برای تحقیق دعوت کردند. آنها برای تعیین قدمت این نقوش در چهار محوطه میرملاس، هومیان، هومیان ۲ و برد سفید که در یک محوطه شش کیلومتری و در دامنه کوه سرسرخن حلقه‌وار و نزدیک یکدیگر قرار گرفته‌اند، گمانه‌زنی کردند (ایزدپناه، ۱۳۴۸، الف: ۱۳). او در جریان این کاوش یک تخته سنگ نقاشی‌شده یافت که در گذشته از صخره جدا شده بود و در آن لایه سفال‌های مشابه نوسنگی یافت کرد (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۵). فهرست نقوش توسط مک بورنی ثبت شد و در سال ۱۹۸۴ میلادی توسط ار. بولی ارائه گردید (Bewley, 1984: 1-38). پس از اتمام کاوش‌های مک بورنی اغلب نقوش هومیان و میرملاس را به ترتیب از دوره نوسنگی و برخی پیش از عصر مفرغ تخمین زد و همچنین نقش اسب سواران را نشانی از عصر مفرغ و سلاح‌های تراش‌خورده را متعلق به دوره‌های اخیر اسلامی دانست. مک‌بورنی در پای صخره‌های که نقاشی داشتند آثار فراوانی از قبیل ذغال‌ها و تیغه‌های فلینت فراوان و استخوان‌هایی که از دوران پارینه‌سنگی میانه (موستری) تا خُرده‌سفال‌های گوناگون و آثار دوران اسلامی (بورنی، ۱۳۴۸: ۱۳-۱۶) به دست آورد که نشان از سکونت در طول زمان‌های گوناگون در پای پناه‌های سنگی هومیان دارد. در سال ۱۳۸۰ آقای عمران گاراژیان و همکاران محوطه‌های تازه‌ای از هومیان را معرفی کردند (گاراژیان و همکاران، ۱۳۸۰: ۸۴-۱۰۰). در سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ شمسی هیأتی مشترک از دانشگاه لیژ بلژیک با سرپرستی مارسل اوت و سازمان میراث فرهنگی استان لرستان در چند فصل به بررسی گسترده‌ای در منطقه هومیان و میرملاس پرداختند که در نهایت محوطه‌های ثبت شده در هومیان به عدد ۱۹ رسید. که در میان آنها از ۱ تا ۶۷ نقش رنگین‌نگاره متغییر است، دو محوطه آن به سنگ مهرداد معروف می‌باشند. سنگ مهرداد داخل دره دارای نزدیک به ۴۰ نقش و سنگ مهرداد بر روی صخره که شامل ۹ نقش، انسان سوارکار، بز وحشی و چهارپای غیرقابل تشخیص به رنگ‌های قرمز و زرد است، می‌باشد (Remacle, 2007: 9-17).

پس از عکس‌برداری و تحقیق اولیه توسط میراث خرم‌آباد، سنگ مهرداد به دست فراموشی سپرده شد و هیچ گزارش کاملی از نقوش آن تاکنون منتشر نشده است. جز یک عکس و خبر کوتاهی از سنگ مهرداد در نشریه باستان‌پژوهی به نگارش لورنس رملس و همکاران به چاپ رسیده است (Remacle, 2007: 9-17). هدف از نگارش مقاله



تصویر ۱. نقشه موقعیت محوطه هومیان، ۱۳۹۹.

کشکان و مادیان به یکی از مسیرهای کوچ فصلی و قشلاق کوچندگان مبدل شده بود تا سال ۱۳۱۰ هجری شمسی با طرح اسکان عشایر، این منطقه به تدریج از زندگی کوچندگی به زندگی شهری گرایید (شیشه گر، ۱۳۸۴: ۲۵). اما همچنان ریشه‌های زندگی عشایری در این منطقه وجود دارد، به دلیل وجود منابع غنی مناسب زندگی عشایری در زاگرس است که باعث شده تا کوچ‌نشینی از گذشته تاکنون وجود داشته باشد (شهبازی، ۱۳۶۰: ۱۳۲). و همچنین به دلیل شرایط اقلیمی گوناگون کوچ درون منطقه‌ای داشته باشند (شهبازی، ۱۳۶۰: ۱۳۳).

هومیان محلی بیلاقی و قشلاقی است در نواحی شمال هومیان قشلاق و جنوب آن زندگی بیلاقی صورت می‌گیرد. اکثر عشایر در این دره روستاهای کوچکی تشکیل داده و یک‌جانشین شده‌اند و برخی دیگر با زندگی بیلاقی و قشلاقی (اما به صورت روستائیشینی) و تعدادی از مردم با زندگی چادرنشینی روزگار خود را در این منطقه سپری می‌کنند. برخی از آنها مانند نیاکان خود بر روی دیواره‌های خانه‌های خود با رنگ نقوشی رسم می‌کنند بی‌آنکه دلیلی برای کار خود داشته باشد (تصویر ۲). احتمالاً ریشه تاریخی و روان‌شناسی کهن‌الگوها را دارد که مشابه آن بنا به گفته ایدت پرادا تا چند دهه پیش ده‌نشینان لرستان بر لبه بام خانه‌های خود، شاخه‌ای بز کوهی با جمجمه قرار می‌دادند. او معتقد است که ریشه از رسوم بسیار کهن دارد (پرادا، ۱۳۸۶: ۹۴). و شاید بتوان با تزیینات شاخ‌های مفرغی معابد ایلامی‌های کهن‌الگوی مشترکی پیدا کرد (Ko-

مستندنگاری و توصیف کاملی از نقوش و یافتن دلیل چرایی رسم این نقوش می‌باشد تا وسیله‌ای برای درک بهتر نقوش رنگی دره هومیان باشد.

جغرافیای منطقه هومیان و زندگی عشایری در این منطقه

منطقه هومیان در کوهدشت و یکی از شهرستان‌های غربی استان لرستان در منطقه پیشکوه غربی قرار گرفته است. با آب و هوای معتدل و نیمه‌خشک، بیشترین درجه حرارت در تابستان‌ها به ۴۲ درجه بالای صفر و کم‌ترین درجه هوا در زمستان‌ها به ۷ درجه زیر صفر می‌رسد. میزان باران سالیانه کوهدشت به طور متوسط حدود ۴۵۰ میلی‌متر است (فرهنگ جغرافیایی کوهدشت، ۱۳۷۵: ۸). و دره هومیان با مختصات جغرافیایی ۳۳۳۹۱ عرضی ۴۷۲۵۲ طولی و از نواحی حاصل خیز شهرستان کوهدشت به‌شمار می‌رود (تصویر ۱) (فرهنگ جغرافیایی کوهدشت، ۱۳۷۵) در پایین محوطه هومیان دره‌ای نسبتاً هموار و پوشیده از جنگل بلوط وجود دارد که در اردیبهشت و خرداد ماه چند طایفه برای گله‌چرانی به این محل می‌آیند و تابستان مجدداً به کوهدشت مراجعه می‌کنند (صفا، ۱۳۹۰: ۱۱۶). منابع تاریخی نشان می‌دهد که در دوره سلجوقیان، در سال ۵۸۰ هجری قمری، مردم منطقه لرستان و کوهدشت کوچ‌رو بوده و سردسیر و گرمسیر و اماکن غیر ثابت داشته‌اند ولی اتابکان (حکومت محلی) اماکن ثابت مسکونی در هر دو منطقه داشته‌اند (صفی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۴۳۹-۴۴۷). در گذشته کوهدشت به دلیل اقلیمی مناسب، وجود مراتع و چراگاه‌های فصلی و کوه‌های مرتفع و رودخانه‌های پرآبی چون سیمره،



تصویر ۲. نقشی از کهن‌الگوهای منطقه رسم‌شده بر روی دیوار خانه آقای زارعی از روستاییان دره هومیان (با پیشینه عشایری)، ۱۳۹۴.



(nig, 1923: 273).

نقوش سنگ مهرداد

نشان دادن شاخ‌ها با صورت نیم‌رخ با شاخ‌های سه‌رخ تصویر شده‌اند. تصاویر انسان‌های سوار بر حیوان با حیوانات نیم‌رخ و بدنه انسانی سه‌رخ با صورتی نیم‌رخ رسم شده‌اند تا تمامی زاویه‌ها نمایش داده شود. در این تخته سنگ تصویر سه انسان پیاده نشان داده شده است که دو تصویر به رنگ قرمز روشن و مشکی که احتمالاً اخیراً رسم شده‌اند و کیفیت خوبی ندارد به صورت تمام رخ می‌باشد و این در صورتی است که تصویر انسان کمان‌دار به رنگ قرمز-قهوه‌ای به صورت بدنی تمام‌رخ و صورتی نیم‌رخ با کمانی بر دوش رسم شده است. برای نمایش بهتر کمان به صورت نیم‌رخ بر دوشی تمام‌رخ رسم شده است (تصویر ۶).

در نقوش قرمز-قهوه‌ای تصویر تعدادی حیوان چهارپا به احتمال زیاد اهلی مانند بز و سگ در کنار تصاویر انسان‌هایی سوار بر شتر؛ و اسب (شاید خر یا الاغ) دیده می‌شود همراه با انسانی پیاده با کمان در دست، انسانی نیزه به دست سوار بر اسب در حال شکار و یک تصویر انسانی سوار بر شتر دو کوهانه؛ در دست ریسمانی دارد که به دهانه شتری دیگر در پشت سر خود وصل است، تصویر دیگر گویا ریسمانی که به دهانه شتر وصل است به زمین بسته شده است و غیره در تصویر مزبور صحنه نبردی وجود ندارد شاید نشان از یک جابه‌جایی در کمال آرامش نمایش می‌دهد. حرکت دسته‌ای از انسان‌هایی که با خود سگ، بز، شتر، الاغ؛ یا اسب با یک کره به همراه دارند و شباهت زیادی با حرکت عشایر

سنگ مهرداد در یکی از محوطه‌های هومیان قرار گرفته است (جدول ۱) که در آن تعداد قابل توجهی نقاشی صخره‌ای به دست آمده است. نقوش این محوطه بر روی تخته سنگی شبیه اشکفت ترسیم شده که در اولین دره کوه هومیان قرار گرفته است (تصویر ۳). گویا اولین بار تخته سنگ توسط یکی از مردم محلی به نام آقای مرادی ملقب به مهرداد یافت گردیده است. سنگ مهرداد یک تخته سنگ بزرگ چندین زاویه‌ای با ارتفاع تقریبی ۵ متر می‌باشد که در قسمتی از آن سایه‌بانی اشکفت‌مانند ایجاد شده است. در زیر این سنگ یک حفره کوچک به داخل سنگ مهرداد وجود دارد. سنگ مهرداد در گذشته یک بوم بزرگ رنگی با نقوش فراوان بوده است (تصویر ۵). با گذشت زمان و رسوبات ناشی از آب باران بخش عمده‌ای از این نقوش از بین رفته است و با توجه به تصویر (تصویر ۴ و ۵) نشان می‌دهد که رسوبات در وسط نقاشی‌ها قرار گرفته است و برآمدگی‌های سنگ که آب باران به آن نفوذ نکرده است دارای نقش می‌باشد که احتمالاً نقاشی‌های زیادی در زیر این رسوبات قرار گرفته‌اند.

کوچک‌ترین نقوش سنگ مهرداد شامل لکه‌های به رنگ قرمز-قهوه‌ای به ابعاد ۵ در ۵ سانتی‌متر و بزرگ‌ترین نقش، تصویر حیوانی چهارپا به رنگ زرد با ابعاد ۲۱ در ۱۶ سانتی‌متر ارتفاع می‌باشد. تمامی نقوش حیوانی نیم‌رخ رسم شده‌اند جز در مواردی برای بهتر



تصویر ۳. نمای کلی از سنگ مهرداد داخل دره، ۱۳۹۴.



تصویر ۴. شرح نقوش و رسوبات در سنگ مهرداد.



تصویر ۶. تصویر گرافیکی از بخش عمده نقوش سنگ مهرداد، ۱۳۹۴.



تصویر ۵. تصویر کلی از تخته سنگ مهرداد (دره).



پوسته شدن بر روی سطح ناهموار و نامناسی رسم شده است. به همان دلیل نمی‌تواند عمر قابل توجهی نسبت به دیگر نقوش سنگ مهرداد داشته باشد.

بررسی باستان‌شناسی سنگ مهرداد و نواحی اطراف

سنگ مهرداد در منطقه‌ای کوهستانی با شرایط سکونت بسیار بد قرار دارد که در گذشته به دلیل نبود امکانات صنعتی تنها عشایر می‌توانستند در این منطقه سکونت داشته باشند. خانم کلرگاف برای شناسایی محوطه‌های تاریخی عشایری کوه‌دشت در سال ۱۹۶۷ میلادی با عشایر گرمسیری رومشکان به سردسیر نورآباد کوچ کرد، وی از کوه‌های سرسوخن و هومیان عبور کرد و در نهایت موفق به کشف و بررسی محوطه‌های زیستگاهی و گورستانی از دوره نوسنگی تا دوران اسلامی در این مسیر شد و ثابت کرد عشایر این منطقه از گذشته‌های دور تا آن سال ۱۹۶۷ میلادی در این مسیر، دارای زیستگاه مناسبی برای استقرار جوامع نیمه‌یکجانشین و نیز کوچنده که از ایشان بیشتر گورستان‌ها به جای مانده است، بوده‌اند (Goff, 1971:133). و این در صورتی است که در بررسی سال ۱۳۹۴ به فاصله کمی از سنگ مهرداد در منطقه اولاد قباد در مسیر مال‌رو میرملاس به هومیان تعدادی قبر تخریب شده یافت شد. این محل توقفگاه زمستانی عشایر منطقه هومیان و میرملاس و فاقد استقرار می‌باشد و تنها تعدادی سفال و اثرات استخوان در اطراف خود داشت و (تصویر ۷) احتمالاً با سفال‌های عشایری بابا محمد، سینجاب، چیا سبز و دوراهی خرم‌آباد که خانم گاف با دوره زمانی عصر مفرغ به دست آورده بودن شباهت دارد (Goff, 1971: 131-151) اخیراً دکتر مظاهری و همکاران بر روی سفال‌های عشایری عصر مفرغ این منطقه تحقیق کرده‌اند و عقیده دارند آنها در قبرستان‌های مناطق دورافتاده و فاقد استقرار و مسیر کوچ‌نشینان به دست آمده‌اند (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۰) مانند تپه قبرستان دره‌شهر (مظاهری، ۱۳۹۴: ۷۰-۷۸) می‌توان اشاره کرد.

در بررسی‌های سال ۱۳۹۷ توسط نگارندگان مشخص شد که تمامی نام‌گذاری‌های کوه‌های هومیان بر مبنای برش‌های طبیعی فراز کوه سرسورن است که به صورت طولی کشیده شده و هر کدام از این نواحی هم‌اکنون و یا در چند دهه پیش محل استقرار عشایر و خانواده‌های گوناگون بوده است که همچنان در برخی از فضاهای هومیان ادامه دارد.



تصویر ۷. محوطه‌ای به فاصله یک کیلومتری سنگ مهرداد همراه با سفال‌های
منقوش نخودی همراه با لعاب غلیظ، ۱۳۹۴.

امروزی مردمان این منطقه دارد. به واسطه تحقیق عبدالله شهبازی می‌دانیم عشایر زاگرس تا سال ۱۳۶۰ هجری شمسی از اسب، الاغ، و قاطر برای حمل و نقل و گله‌داری گوسفند و بز و از برگ درختان بلوط که به وفور در دشت هومیان یافت می‌شود به عنوان خوراک برای بزها، و سگ برای نگهداری گله استفاده می‌کردند و همچنین عشایر قشقایی زاگرس پرورش شتر می‌کرده‌اند (شهبازی، ۱۳۶۰: ۱۲۹-۱۳۱).

تقسیم‌بندی رنگ‌ها و لایه‌های سطح سنگ مهرداد

در روی بوم سنگ مهرداد چندین رنگ و لایه‌های سطح سنگ تشکیل شده است که با توجه به لایه‌ها و پوسته‌های روی سطح سنگ و نقاشی‌هایی که بر روی این لایه‌ها ترسیم شده‌اند می‌توان به نقوش قدیمی و جدیدتر دسته‌بندی کرد. نقاشی‌ها به طور کلی به چند رنگ مختلف رسم شده است: رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، قرمز قهوه‌ای روشن، قرمز، یک مورد زرد و مشکی می‌باشد.

رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، بخش عمده نقوش را تشکیل داده است. این رنگ گویا به چند دسته قرمز-قهوه‌ای متمایل به قهوه‌ای یا قرمز قهوه‌ای متمایل به قرمز تیره و یا قرمز روشن تقسیم می‌شود و با توجه به مضمون یک پارچه نقش‌ها شاید نشان‌دهنده آن باشد که چند تصویرگر با رنگ‌های نسبتاً مشابه در یک زمان تصویرگری کرده باشند. این رنگ‌ها از مرغوبیت خوبی برخوردار بوده‌اند و تنها رسوبات و پوسته‌شدگی و افتادن لایه‌هایی از سنگ و یا سطح بوم باعث آسیب به نقوش شده است. در پایین تخته سنگ مهرداد اثرات بسیار کم‌رنگی از نقوش به رنگ قرمز قهوه‌ای دیده می‌شود اما به دلیل رسوب فراوان کاملاً از بین رفته‌اند و با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود.

در قسمت انتهایی سمت چپ نقوش قرمز قهوه‌ای به دلیل پوسته شدن لایه نازک اما ابعاد وسیعی از بوم سنگ مهرداد افتاده است و نقش شتری به رنگ قرمز قهوه‌ای ناقص مانده که مرز افتادگی سنگ می‌باشد، که نشان می‌دهد بعد از ترسیم نقش شتر این قسمت از سنگ جدا شده و افتاده است، در این سطح جدید صاف و مقاوم نقاشی‌هایی با رنگ قرمز ترسیم شده است که به دلیل نامرغوبی رنگ و همچنین به دلیل قرارگیری در معرض نور اکثر این نقوش از بین رفته‌اند و اثرات کمی از نقش یک انسان ایستاده و ترسیم یک بز و نقش یک چهارپا و برخی قسمت‌های کم‌رنگی برجای مانده است. با چشم غیر مسلح می‌توان اثرات ده نقش را رویت کرد.

نقش مشکی و قرمز قهوه‌ای روشن در کنار هم ترسیم شده‌اند این دو رنگ بر روی سطح صافی قرار دارند که بر اثر پوسته شدن و افتادگی سنگ قدیمی‌تر به وجود آمده است و در نزدیکی رسوب قرار دارند اما هیچ علائمی رسوبی حادی در این قسمت سنگ دیده نمی‌شود، رنگ مشکی به دلیل رسوب و همچنین رقیق بودن رنگ در خلل و فرج سنگ پخش و مات شده است که نشان از نامرغوبی دارد.

تنها یک اثر به رنگ زرد در این سنگ دیده می‌شود که احتمالاً به دلیل نامرغوب بودن آن اکثر این نقش پاک شده است. این رنگ بر روی چند لایه متفاوت از سطح سنگ رسم شده است و احتمالاً بعد از



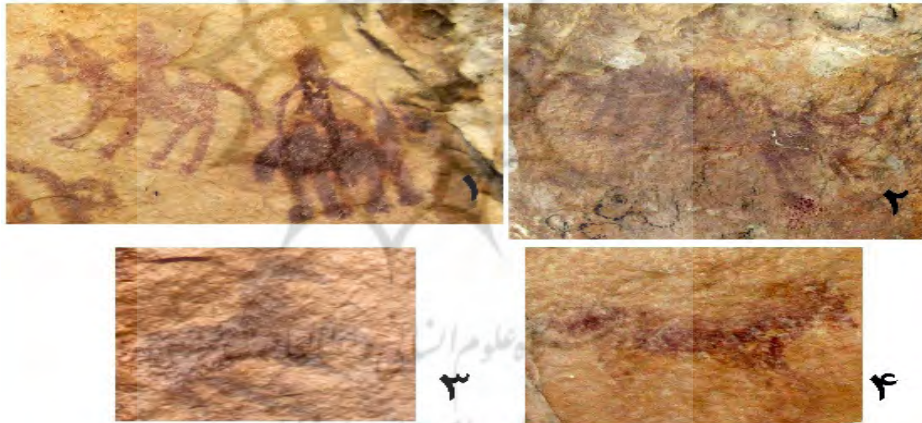
که نشان از استقرار دیرینه انسانی در این پناهگاه‌ها است. در بررسی‌های پیمایشی از قله‌سوره تا محوطه نوری نزدیک به ۱۱ محوطه و تپه بسیار کوچک در فاصله‌های نزدیک، در کف دره و کنار رودخانه هومیان شناسایی گردید که تنها سفال‌هایی احتمالاً متعلق به دوره ساسانی بر روی سطوح پراکنده بود (تصویر ۱۰). این گونه سفال با سفال‌های دوره ساسانی حاجی آباد فارس (محمدی فر، ۱۳۹۴: ۳۵۴-۳۵۵) سفال‌های دوره اشکانی



تصویر ۸. اسکان عشایر در پای قله‌سوره، ۱۳۹۷.

و جزو زمینه‌ای نیاکان آنها هستند (تصویر ۸). شروع و اتمام نقاشی‌های هر محوطه نسبت به محوطه دیگر، نیازمند پیمایش مسافت طولانی در پای قله است. در سمت شرق نقوش رنگی قله‌سوره، مسیر عشایری میان کوه سرسورن از مسیر کوه‌دشت به دره هومیان می‌باشد که حرکت آنها به سمت غرب دره ادامه می‌یابد و نقاشی‌ها نیز از این مسیر شروع و در غربی‌ترین قسمت هومیان یعنی منطقه نوری تمام می‌شود و در مسیر فرعی عشایری دیگری، نقوش رنگی سنگ مهرداد را به تصویر کشیده‌اند، که بیانگر اینست که عشایر از این مسیر به منطقه میرملاس می‌رفته‌اند. جالب توجه است که چند نقش شبیه سنگ مهرداد، در سمت غربی میرملاس دیده می‌شود (تصویر ۹).

تمامی محوطه‌های منقوش هومیان مانند قله‌سوره، بردسید، ارارمیا، چلگه‌شله، چوارتا و حتی میرملاس، دارای پناهگاه غاری می‌باشند که تا دوده پیش عشایر در فصل‌های خشک سال برای تهیه علوفه، دام خود را به دامنه صخره که پوشش گیاهی بیشتری داشته می‌بردند و شب را در پناهگاه غاری سپری می‌کردند. افشاری (نگارندگان) شخصاً تعدادی از سکه‌های نقره ساسانی را در میان بومی‌های روستای هومیان شناسایی کرد که به گفته یابنده آنها از پناهگاه صخره‌ای چله‌شله به دست آمده



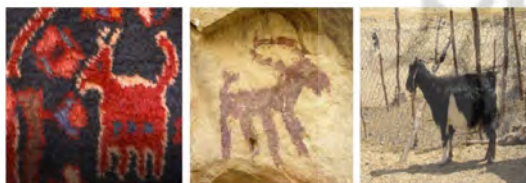
تصویر ۹. شباهت بین سبک نقوش ۱-۹ و ۳-۹ محوطه سنگ مهرداد با نقوش ۲-۹ و ۴-۹ میرملاس، ۱۳۹۷.



تصویر ۱۰. نقشه حرکت عشایر ساکن در دره هومیان و کوچ درون منطقه‌ای به همراه محل قرارگیری نقاشی‌های به دست آمده در این دره، ۱۳۹۸.



در زمینه گاه‌نگاری نقوش سنگ مهرداد تا زمانی که به واسطه آزمایش‌های طیف‌سنجی و اورانیوم سری مشخص نشود نمی‌توان درباره قدمت این نقوش با اطمینان سخن گفت اما شاید بتوان به واسطه برخی ادوات که در نقوش دیده می‌شود به قدمت نسبی دست یافت. برای مثال در میان نقوشی که در سنگ مهرداد دیده می‌شود در برخی نقوش، افسار و زین دیده نمی‌شود (تصویر ۱-۱۳) و این در صورتی است که با مقایسه دیگر نقوش مشابه فرد نقاش تصویری از افسار اسب ترسیم شده است (تصویر ۲-۱۳ و ۳-۱۳) که نشان می‌دهد زمانی که این نقش کشیده شده است از اسبان خود بدون هیچ لوازم جانبی استفاده می‌کردند؛ البته در مواردی دهانه شتر با طناب یا افسار بسته شده است (تصویر ۵-۱۳) و یا تصویر سوار کار مبهم می‌باشد و ادوات سوارکاری یا دیده نمی‌شود یا به سختی می‌توان نظر داد که قلاده در دهان چهارپا یا کمند در دستان سوار است (تصویر ۴-۱۳). به واسطه بررسی‌های مقدماتی که به وسیله مک بوری در میرملاس صورت گرفته است تصویر انسان سوارکار در حال شکار را برای هزاره دوم قبل از میلاد دانسته (بوری، ۱۳۴۸: ۱۴) و اولین سند مکتوب از وجود اسب اهلی نوشته‌ای است به خط میخی به زبان میتانی از بُغازکو (پتریای باستانی در آسیای کوچک) و متعلق به قرن چهاردهم قبل از میلاد که نخستین «اسب نامه» به شمار می‌رود و در آن شیوه رام‌ساختن و تربیت اسب و توشه‌دادن و تیمارداشتن توصیف شده است (شهبازی، ۱۳۷۶: ۲۸). البته چون نقوش صخره‌ای ایرانی انتزاعی



تصویر ۱۱. نقش بز در میان نقاشی‌های صخره‌ای هومیان و سنگ مهرداد و مشابهت آن با زندگی روزمره و نقوش رسم شده بر روی قالی عشایر ساکن در دره هومیان، ۱۳۹۷.



تصویر ۱۲. مالبندهای رها شده در دره هومیان و نمونه کاربری آن در نقوش به کار رفته در محوطه سنگ مهرداد، ۱۳۹۷.

و ساسانی ماهنشان زنجان (خسرورزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۶۵)، سفال‌های دوره اشکانی و ساسانی قروه کردستان (مافی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۷)، سفال‌های دوره اشکانی و ساسانی سنگ‌شیرهمدان (افشار و نقشینه، ۱۳۹۳: ۱۲۴) و سفال‌های دوره ساسانی سیمره (قلعه برمشاه) (محمدی‌فر و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۳۹) شباهت دارد و به اعتقاد نگارندگان دلیل کوچکی و پراکندگی محوطه‌ها، کاربری کوچ‌روی و سکونتگاه‌های فصلی می‌باشد. پیوند نقوش رنگی هومیان با زندگی عشایر ساکن در این دره، امری پذیرفتنی است. از آنجایی که زندگی عشایر به دلیل عدم ثبات اقلیمی نسبت به گذشته تفاوت چندانی نداشته، با بررسی‌های قوم باستان‌شناسی، می‌توان ارتباط میان این نقوش را با زندگی مردمان ساکن در دره مشخص نمود. در روستای هومیان خانه‌ای نه‌چندان بزرگ با نقاشی شبیه انیمیشن شهرسوخته بر روی دیوار وجود دارد در حالی که ساکنینش برای کار خود هیچ هدفی نداشتند (تصویر ۲). زنان خانه‌دار کهنسالی در روستای هومیان زندگی می‌کنند که نقوشی انتزاعی، همانند آنچه در محوطه هومیان دیده می‌شود، بر روی دستان خود خالکوبی کرده‌اند و بنابه گفته خودشان، اصلاً نقوش رنگی پای صخره را، به دلیل سختی مسیر، ندیده‌اند (افشاری و باشتنی، ۱۳۹۹: ۱۱۴). بیشترین تصاویری که در میان نقوش رنگی هومیان دیده می‌شود، تصاویر حیوانات اهلی، به ویژه بز، می‌باشد که با توجه به کوهستانی بودن منطقه، بز بیشترین استفاده دامی در میان مردم ساکن در دره هومیان را دارد و سبب رسم این حیوان بر روی گلیم و نقاشی بر روی دیوار است (تصویر ۱۱). همچنین تصاویر جدید و فاقد دوام تاریخی که بر روی نقاشی‌های تاریخی هومیان رسم شده‌اند، تاجایی که در بررسی‌های مارسلاتو، در سال ۲۰۰۳، برخی از این تصاویر جدید را مانند نمونه‌های تاریخی ثبت و مستندنگاری کرد (Otte et al., 2003: 10). در نقوش سنگ مهرداد تصویر مالبندهی دیده می‌شود که با ریسمان حیوانی به آن بسته شده است و در بررسی محوطه در فاصله چند کیلومتری سنگ مهرداد مشابه این مالبند یافت می‌شود (تصویر ۱۲) که نشان از پیوستگی و ارتباط میان جوامع گذشته و حال ساکن در این منطقه است که همین امر باعث گردیده امروزه حجم بالایی از آثار فرهنگی گذشته به صورت غیر عمدی از بین برود و بی‌آنکه مستندنگاری و بررسی کاملی از این منطقه صورت گرفته باشد.

گاه‌نگاری نسبی



در جهت پرده برداشتن از حقایق علمی بیشتر این مجموعه توسط دنبال کنندگان این پژوهش است. با وجود چند صد نقش رنگی در هومیان اما هیچ کدام مشابه سبک هنری سنگ مهرداد نمی‌باشند و تنها چند نقش کوچک در محوطه میرملاس می‌توان یافت که با بافت ظاهری یکسان سنگ مهرداد ترسیم شده است. با این که به دلیل رسوبات و عوامل طبیعی برخی از نقوش کاملاً از بین رفته و برخی دیگر بسیار آسیب دیده است، اما نقوش به رنگ قرمز-قهوه‌ای با پویایی خاص و زنده هستند که احتمالاً به دلیل استفاده از نوع مرغوب رنگ این ویژگی شکل گرفته است. و برخی نقوشی که به رنگ قرمز-قهوه‌ای روشن بر روی پوسته‌ی جدیدتر سنگ (که آن هم بخشی از تاریخ آن سرزمین است) رسم شده‌اند نتوانسته‌اند در برابر تخریب‌های طبیعی مقاومت کنند و اکنون تنها سایه‌های رنگی دیده می‌شوند.

با توجه به نقوش قرمز-قهوه‌ای تیره می‌توان نتیجه گرفت که تصویر

هستند نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که حیوان مزبور اسب باشد برای مثل اگر الاغ باشد جان آلدن معتقد است در ۳۵۰۰ قبل از میلاد در خاورمیانه اهلی شده است (Alden, 2015: 997) اما در اواخر هزاره دوم قبل از میلاد به کارگیری دهنه مفرغی (عبدی و بیگلری، ۱۳۹۳: ۶۸) و تخته‌زین نمدی یا بافته شده و سازوبرگ افسار کامل‌تر گشت و متداول شد (شهبازی، ۱۳۷۶: ۲۹ و فرخ کاوه، ۱۳۹۰: ۱۱). با توجه به علائم مربوط به نقش حیوان اسب سان، نقوش سوارکار سنگ مهرداد نمی‌توان قدیمی‌تر از هزاره دوم قبل از میلاد نسبت داد.

حیوان دیگری که در نقوش دیده می‌شود شبیه شتر دو کوهانه است. این نوع شتر در ۲۵۰۰ ق. م در ناحیه شرق ایران اهلی (عبدی و بیگلری، ۱۳۹۳: ۲۷) و با مرور زمان به زاگرس رسیده است (تصویری ۵-۱۳). امروزه از این گونه شتر تنها در استان اردبیل سرزمین ایران نگهداری می‌شود به دلیل شرایط اقلیمی این حیوان در محیطی سرد سکونت داشته

 <p>نقوش سوار کار در سنگ مهرداد که ادوات سوار کاری مانند افسار دیده نمی‌شود</p>	<p>۱ است (شهبازی و طهمورث پور، ۱۳۹۴: ۱۶۴). و همچنین به حفاری‌های مک بورنی در منطقه هومیان و بررسی مگارد در مریوان کردستان نشانه‌ها و شواهدی از دگرگونی‌های آب‌وهوایی یافت شده است (ایزدینا، ۱۳۸۷: ۲۳؛ آجورلو، ۱۳۹۱: ۸؛ Megard, 1967: 179-189) و اخیراً چند پژوهشگر علوم جغرافیایی در دشت کوه‌دشت بررسی هیدروژئومورفولوژی دیرینه دشت کوه‌دشت و دریاچه قدیمی آن پرداخته‌اند که نشان می‌دهد در دوره چهارم کواترنری دمای کوه‌دشت ۹ درجه سردتر و احتمالاً میزان بارندگی زیاد و دارای دریاچه بوده است (صفری و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۱-۷۲). البته این تغییر شرایط آب‌وهوایی در اکثر فلات ایران شرایط مشابه داشته است (معتمد، ۱۳۷۶: ۲۱). با توجه به شرایط آب و هوای کمی سردتر از زمان کنونی در زاگرس پذیرفتنی می‌باشد که عشایر این منطقه پیشتر از شترهای دو کوهانه استفاده کرده باشند. یا تصویر برای عشایری که از مناطق سردسیر به این منطقه در حال کوچ بوده‌اند به دست آمده است. اما در زمینه بازه زمانی با توجه به توضیحات ارائه شده این نقوش نمی‌توانند قدیمی‌تر از عصر آهن باشند.</p>
 <p>نقوش سوار کار در غار چشمه سهراب کرمانشاه نقوش سوار کار در غار دوشه نقوش سوار کار در برد سید هومیان سوارکارها با ادوات سوار کاری و افسار ترسیم شده‌اند.</p>	<p>۲</p>
 <p>نقوش سوار کار از محوطه چوارتا در هومیان، بدون افسار است و سوارکار با دست گرفتن یال اسب طراحی شده است.</p>	<p>۳</p>
 <p>نقوشی در سنگ مهرداد که نمی‌توان با اطمینان درباره افسار داشتن آن سخن گفت اما ادواتی شبیه افسار در تصویر دیده می‌شود.</p>	<p>۴</p>
 <p>نقوش شترهای دوکوهانه؟ در سنگ مهرداد که دهانشان با کمند یا تناب بسته شده است</p>	<p>۵</p>

تصویر ۱۳. مقایسه بررسی ادوات سوار کاری در نقوش رنگی صخره‌های ایران با محوطه سنگ مهرداد، ۱۳۹۹.

نتیجه گیری

رنگی‌نگاره‌های سنگ مهرداد در دره هومیان یکی از شاخص‌ترین رنگین‌نگاره‌های یافت‌شده در فلات ایران است که سبک هنری متفاوتی را نسبت به سایر نقوش یافت‌شده در ایران به نمایش می‌گذارد. در این تحقیق سعی بر آن بوده تا تحلیل در خور توجهی بر روی نقوش ذکر شده صورت گیرد تا مشخص‌های باشد برای نشان‌دادن جایگاه حقیقی این هنر کهن که خود ابزار است در جهت رمزگشایی نوع استقرار و معیشت جوامع دیرینه. لازم به ذکر است که مستندنگاری این مجموعه خود قدمی



بسیار بد قرار دارد و در گذشته به دلیل نبود امکانات صنعتی تنها عشایر می‌توانستند در این منطقه سکونت کنند و جوامع امروزی ساکن در آن همچنان از روند کوچ‌روی استفاده می‌کنند و روستاهای یکجانشین نیز دارای پیشینه تاریخی کوچ‌روی بوده‌اند و با بررسی مردم‌شناسی صورت گرفته در منطقه شباهت بسیاری بین زندگی مردمان دره هومیان با نقوش سنگ مهرداد وجود دارد. برای مثال برخی از ادوات ترسیم‌شده مانند مالبنده همچنان در میان مردمان آن ناحیه رواج دارد و احتمالاً نقش سنگ مهرداد، نمایانگر تصویری واقع‌گرایانه از مهاجرت عشایر در روزگاران پیشین دره هومیان است.

چند حیوان چهارپا به احتمال زیاد اهلی مانند بز و سگ در کنار تصاویر انسان‌هایی سوار بر شتر و اسب (شاید خر یا الاغ) همراه با یک کره حیوان و با انسانی پیاده با کمان در دست، انسانی سواره و نیزه‌به‌دست در حال شکار و یک تصویر انسانی سوار بر شتر دو کوهانه که در دست ریسمانی دارد و به دهانه شتری دیگر در پشت سر خود وصل است و تصویر دیگر گویا ریسمانی که به دهانه شتر وصل است به زمین بسته شده است و ... احتمالاً بیانگر یک جابه‌جایی در کمال آرامش می‌باشد. حرکت دسته‌ای از انسان‌هایی که با خود سگ، بز و شتر به همراه دارند و شباهت زیادی با حرکت عشایر امروزی این منطقه دارد و این در صورتی است که نقوش سنگ مهرداد در منطقه‌ای کوهستانی با شرایط سکونتی



دو نقش در یک صحنه مشترک قرار دارد. انسانی سوار بر چهارپا است که به واسطه حرکت پاهای و دست سوارکار نشان می‌دهد با سرعت در حال حرکت می‌باشد. به رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، در ابعاد ۱۱ در ۶ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد. نقش دوم کمی بزرگتر از تصویر قبلی، شاخ‌های حیوان نیز کمی درازتر است گویا شخصی بر روی او سواره باشد. به رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، در ابعاد ۵/۱۰ در ۵/۹ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش انسانی سوار بر شتر دوکوهانه دیده می‌شود گویا شی به کمر بسته است. صورت شتر به دلیل رسوبات از بین رفته است. به رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، در ابعاد ۱۰ در ۱۲ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش انسانی سوار بر اسب دیده می‌شود که در جهت مخالف سوارکاران اطراف خود در حال حرکت است. به رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، در ابعاد ۱۳ در ۵/۱۰ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد. تصویر مزبور کمی کم‌رنگ تر از نقوش های قرمز- قهوه‌ای می‌باشد.



یک گربه سان شاید سگ، یا دمی سربالا به رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، در ابعاد ۱۱ در ۱۳ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد. نقش یک بز یا دمی سربالا و پاهای به جلو کشیده شده می‌باشد. به رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، در ابعاد ۹ در ۷ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش انسانی سوار بر اسب با شتاب در حال حرکت، قسمت بالا تنه مشخص سوار کار افتاده است و تصویر ناقص مانده است اما انتهای سر وی کمی بالا تر از افتادگی دیده می‌شود، در جلوی دهانه اسب به دلیل رسوبات و آب حاصل از بارندگی از بین رفته است. به رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، در ابعاد ۱۳ در ۵/۹ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش چهار پایی همانند بز دیده می‌شود با دو شاخ بلند، به رنگ قرمز تیره همراه با رسوبات، ابعاد نقش ۱۰ در ۹ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



انسانی سوار بر اسب با نیزه‌ای سه شاخ در دست و احتمالاً دهانه اسب افسار بسته شده است. به رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، در ابعاد ۱۲ در ۵/۹ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش انسانی با وسیله‌ای شبیه کمان بر دوش، ایستاده است. به رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، در ابعاد ۵ در ۹ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش انسانی سوار بر یک چهار پا دیده می‌شود شباهتی با اسب ندارد. مشخص سوار بر حیوان نسبت به دیگر نقوش بین سوار کار و اسب، از جسته بزرگتری برخوردار است. به رنگ قرمز قهوه‌ای تیره، در ابعاد ۱۴ در ۱۴ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.



نقش انسانی ایستاده با دستانی باز، این نقش به دلیل نامرغوب بودن رنگ در مقابل نور و زمان توانسته مقاومت نماید و بسیار کم‌رنگ شده است. سبک هنری کاملاً متفاوتی با نقوش قرمز تیره دارد. به رنگ قرمز روشن، در ابعاد ۱۴ در ۹ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



نقش یک بز با شاخ‌های کشیده و دم‌ی سر بالا به رنگ قرمز تیره، در ابعاد ۸ در ۷ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



نقش بزى با دو شاخ بلند که قسمت جلوی آن به دلیل رسوبات از بین رفته است، به رنگ قرمز قهوه ای تیره، در ابعاد ۱۱ در ۱۰ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



نقش یک حیوان گربه سان شاید روپناه دیده می شود و دو پای انتهایی حیوان رویت نمی شود و به دلیل وجود رسوب ناشی از باران از بین رفته است. به رنگ قرمز تیره ، ابعاد نقش ۸ در ۴ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



نقش کم‌رنگ اسب یا کره به رنگ قرمز تیره همراه با رسوبات بر روی رنگ، ابعاد نقش ۸ در ۸ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



نقش یک حیوان چهار پا یا دو شاخ برگشته شبیه بز یا قوچ، به دلیل نزدیکی رسوبات مقداری آسیب دیده است، به رنگ قرمز قهوه ای تیره، ابعاد نقش ۱۱ در ۱۱ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



دو نقش در یک صحنه مرتب به هم می باشند. نقش شتری دو کوهانه دیده می شود و انسانی بر روی دو پا بر روی شتر ایستاده است یا نشسته و ریسمان بلندی در دست دارد. به رنگ قرمز قهوه ای تیره، ابعاد نقش ۱۳ در ۱۲ سانتیمتر ارتفاع می باشد.

ریسمان ادامه می یابد و به دهانه شتر دو کوهانه دیگری بسته شده است. گویا شتر دومی باری با خود حمل می کند و دهانه او با ریسمان بلند بسته شده است. به رنگ قرمز قهوه ای تیره، ابعاد نقش ۱۰ در ۱۰ سانتیمتر ارتفاع می باشد.



نقش یک شتر که دهانه او با ریسمان بسته شده است. ریسمان کمی ادامه می یابد و قطع می شود، شاید به جایی بسته شده باشد. به دلیل ریختگی سنگ، نیمه انتهایی نقش شتر آسیب دیده و دو پای انتهایی حیوان دیده نمی شود و تنها قسمتی از یک کوهان او نمایان است. به رنگ قرمز قهوه ای تیره، ابعاد نقش ۱۱ در ۷ سانتیمتر ارتفاع می باشد.

انسانی سوار بر اسب ابزار سوار کاری مانند کمند کامل مشخص نیست و به رنگ قرمز قهوه ای تیره می باشد، در ابعاد ۷ در ۵ سانتیمتر ارتفاع می باشد.

تصویر ۱۵. برخی نقوش شاخص در محوطه سنگ مهرداد، ۱۳۹۴.

فهرست منابع فارسی

- افشاری، حسن (۱۳۹۳)، رنگین‌نگاره‌های ایرانی (نقاشی‌های صخره‌ای و غاری در ایران)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین-پیشوا.
- افشاری، حسن؛ باشتی، مرزویه (۱۳۹۹)، نقوش رنگی تازه کشف شده هومیان، نشریه باستان‌پژوه، انجمن علمی باستان‌شناسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۹۹ سال نوزدهم و بیستم، سری جدید، شماره ۶ و ۷، پیاپی ۲۴ و ۲، صص. ۱۰۲-۱۲۰.
- افشاری، لیلیا؛ نقشینه، امیرصادق (۱۳۹۳)، توصیف طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوره‌ی اشکانی گورستان سنگ شیر همدان، نشریه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، سال چهارم، شماره ۷، صص. ۱۳۲-۱۱۳.
- ایزدینپناه، حمید (۱۳۴۸ الف)، نقاشی‌های پیش از تاریخ در غارهای لرستان، مجله باستان‌شناسی و هنر، شماره ۳، صص. ۶-۱۱.
- ایزدینپناه، حمید (۱۳۵۰)، آثار باستانی لرستان، جلد اول، انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.
- آجورلو، بهرام (۱۳۹۱)، اقلیم دیرین فلات ایران در عصر نوسنگی، نشریه پژوهش‌های ایران‌شناسی، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص. ۱-۲۰.
- بورنی، مک (۱۳۴۸)، گزارش مقدماتی بررسی و حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت، ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۳،



- صص. ۱۴-۱۶. پرادا، ایدیت (۱۳۸۲)، *هنر ایران باستان*، ترجمه یوسف مجیدزاده، نشر دانشگاه تهران، تهران.
- حیدری، فرشید (۱۳۹۰)، *بررسی روشمند تپه باستانی چغاسیاه کوه‌دشت، لرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.*
- خسروزاده، علیرضا؛ عالی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماه‌نشان (زنجان)، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب، به کوشش دکتر مسعود آذرنوش، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی-پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص. ۴۵-۷۰.
- شهابی، امین؛ طهمورث‌پور، مجتبی (۱۳۹۴)، تجزیه و تحلیل بیوانفورماتیکی و فیلوژنتیکی ژن‌های NADH3 و NADH4L ژنوم میتوکندری شتر دوکوهانه ایران، *نشریه بیوتکنولوژی کشاورزی*، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، صص. ۱۶۳-۱۷۴.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۶۶)، *مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر*، نشر نی، تهران.
- شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۷۶)، اسب و سوارکاری در ایران باستان، *نشریه باستان‌شناسی و تاریخ*، سال یازدهم، شماره ۱ و ۲، پاییز ۱۳۷۶.
- شیشه‌گر، آرمان (۱۳۸۴)، *گزارش کاوش محوطه سرخه‌ملکی، کوه‌دشت لرستان، نشر پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران.*
- صفا، مینا (۱۳۹۱)، تاریخ‌گذاری نقوش صخره‌ای هومیان و میرملاس براساس تفسیر تصاویر آنها، *نشریه نامه ایران باستان*، سال یازدهم شماره اول و دوم، شماره ۲۱-۲۲، صص. ۱۱۱-۱۲۹.
- صفاری، امیر؛ رامشت، محمدحسین، و حاتمی‌فره، رامین (۱۳۹۳)، تبیین تحولات پالئوایدروژنومورفولوژی منطقه کوه‌دشت، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال چهاردهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۳، صص. ۱۴-۳۳.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۵)، *فرهنگ جغرافیایی کوه‌دشت*، نشر سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران.
- عبدی، کامیار؛ بیگلری، فریدون (۱۳۹۳)، *همبودی انسان و جانوران در ایران زمین*، موزه ملی ایران، تهران.
- فرخ، کاوه (۱۳۹۰)، *سایه‌هایی در بیابان، برگردان بدرام خزایی*، نشر طاق بستان، کرمانشاه.
- گیلرمو، الغازه (۱۳۹۷)، *میانرودان باستان در سپیده دم تمدن (تحول در چشم‌انداز شکل‌گیری شهر)*، ترجمه: عطایی آشتیانی، زهره، تهران: نشریه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مافی، فرزاد؛ بهنیا، علی، و بهرام‌زاده، محمد (۱۳۸۸)، *توصیف، طبقه‌بندی*
- و گونه‌شناسی سفال دوره اشکانی شهرستان قروه (کردستان)، *نشریه پیام باستان‌شناسی*، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص. ۸۵-۱۰۴.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ امینی، فرهاد (۱۳۹۴)، *باستان‌شناسی و هنر ساسانی، تهران، نشر شاپیکان.*
- محمدی‌فر، یعقوب؛ طهماسبی، الناز (۱۳۹۳)، *طبقه‌بندی سفال ساسانی دره سیمره؛ مطالعه موردی قلعه سمیرم شاه، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دوره ۴، ش ۷، صص. ۱-۱۳.
- مظاهری، خداکرم (۱۳۹۴)، *تپه قبرستان دره‌شهر: گورستانی از دوره مفرغ قدیم در پیشکوه، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره ۹، دوره پنجم پاییز و زمستان، صص. ۶۷-۸۶.
- مظاهری، خداکرم؛ طلائی، حسن، و نیکنامی، کمال‌الدین (۱۳۸۸)، *کاسه‌های قیفی شکل عصر مفرغ قدیم منطقه غرب و جنوب غرب ایران، پیام باستان‌شناسی، سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان، صص. ۳۳-۴۶.*
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۵)، *سازمان مسکن و شهرسازی استان لرستان*، نشر وزارت مسکن و شهرسازی استان لرستان، خرم‌آباد.

فهرست منابع لاتین

- Alden, J. (2015), *Reviews book Nomadism in Iran, Antiquity*. No. 66, Published online, 6 Aug.
- Bewley, R.H. (1984), *The Cambridge University archaeological expedition to Iran 1969. Excavations in the Zagros Mountains: Houmian, Mir Malas and Barde Spid, Iran*, *Journal of the British Institute of Persian Studies*, No 22, pp: 1-38.
- Goff, C. (1970), *Neglected Aspects of Luristan Art, Persica: Jaarboek van het Genootschap Nederland-Iran, stichting voor culturele betrekkingen* 5, 1970, pp: 27-37.
- Goff, Cl. (1971). *Luristan before the Iron Age*. *Journal of the British Institute of Persian Studies* 9, pp: 131-152.
- Konig, F.W. (1923), *Corpus Inscriptionum Elamitarum*, Hannover.
- Megard, R. (1967), *Late-Quaternary cladocera of Lake Zeribar*. western Iran, *Ecology*, Vol. 48 .No 2.
- Remacle, L, Adeli. J. (2007), *New field research on houmian rock-art*, Lorestan Province, iran, *Bastanpazhuhi*, Vol. II, No. 3, pp: 9-17.



The Study of the Social Life Former Nomads Living in the Homian Plain, Based on the Study of Rock Motifs of Mehrdad Stone

Hassan Afshari^{**1}, Farida Forouzan²

¹Graduate Master in Archeology, University of Tehran, Tehran, Iran.

²Ph.D in Archeology, University of Science and Research, Tehran, Iran.

(Received: 13 Feb 2021, Accepted: 21 Apr 2021)

In the first valley of Homian Mountains area in the northwest of Kuhdasht Lorestan, there is a slate known as the Mehrdad Stone. There are more than 40 colored motifs in the bottom part of the stone slot in bright red, red-brown, black and yellow colors that each one drawn in a different style. This research aims to study these designs with similarities between the social life of the nomads of this region in the period after the Iron Age and it is assumed that certain motifs on the Mehrdad stone which likely show the movement of a number of humans and animals together represent the life and the human migration in the past in this region. Due to sediments and natural factors, some of the patterns are completely destroyed and others are very damaged, but the patterns are red-brown with a special and vivid dynamics, which is probably due to the use of high quality paint. And some light red-brown designs on newer stone shells (which are also part of the land's history) have failed to withstand natural disasters and now only Color shadows are seen.

Considering the red-dark brown motifs, it can be concluded that the image of several four-limbed animals is most likely domesticated, such as goats and dogs, along with images of humans riding camels and horses (perhaps donkeys or donkeys) with an animal sphere. And with a human on foot with a bow in his hand, a human on horseback and a spear in his hand hunting, and a human image on a two-humped camel holding a string that is attached to the mouth of another camel behind his head, and another image seems to be a string to the mouth. The camel is attached to the ground and shows... and seems to show a movement in complete peace. The movement of a group of people who bring dogs, goats and camels and is very similar to the movement of modern nomads of the people of this region, and this is if the designs of Mehrdad stone in mountainous areas with very poor living conditions In the past, due to the lack of industrial facilities, only nomads

could live in this area, and today's communities still use the nomadic system, and Resident villages also have a historical history of nomadism. In the region, there are many similarities between the life of the people of Homian valley and Mehrdad stone motifs. For example, some painted tools such as Malband are still popular among the people of that area. Shows us. In this article we attempt to completely document and describe the motifs and find the reason why these motifs should be designed to provide a better understanding of the colorful designs of the Homian Valley.

Keywords

Rock Art, Pictographs, Kuhdasht, Homian, Sange Mehrdad.

^{*}Corresponding Author: Tel: (+98-919) 3133301, Fax: (+98-21) 22659860, E-mail: hassanafhsari@ut.ac.ir